

۲- در این مرحله با رویدادهایی مواجهیم که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی شد، بیشتر این وقایع از ۱۲ و ۲۲ بهمن ۵۷ تا پایان این سال را شامل می شود. این دوره، دوره ای است که ضدانقلاب هنوز در ایران حضور دارد و جریانش فعال است و مبارزات انقلابی با باقی مانده های رژیم شاه هنوز در جریان است و ادامه دارد.

۳- مرحله ای که به رویدادهایی می پردازد که برای تثبیت انقلاب اسلامی رخ داده است. چنان چه می دانیم بسیاری از اتفاقات پس از ۲۲ بهمن ۵۷ بوده است. برخی از این موارد را می توان کودتای نوژه، اتفاقاتی که در شهرهای مرزی کشور رخ می داد، اتفاقاتی که در کردستان و بلوچستان شاهدش بودیم.

در این زمان گروه هایی پدیدار می شدند که جلوگیری می کردند از تثبیت انقلاب که من معتقدم پیدایش و فعالیت همین گروه ها باعث شد که جنگ بر ما تحمیل شود. جنگ یک رویداد بزرگی بود که می خواست انقلاب ۱۳۵۷ را به شکست بکشد. یعنی ما می توانیم واقعه بزرگ و تاریخی هشت سال جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، لشکر کشی عراق و جریان این ۸ سال را در مرحله سوم (دوران تثبیت انقلاب) قرار دهیم. البته این مرحله تا امروز همچنان ادامه دارد، یعنی ما همچنان با رویدادهایی مواجهیم که می خواهد جریان انقلاب اسلامی و حرکت مردم را با خلل مواجه کند.

موضوعاتی مثل تحریم ها از همین دست اقداماتی است که با قصد ضربه زدن به انقلاب دنبال می شود و این هدف را دنبال می کند که بگوید این اتفاق که در سال ۱۳۵۷ رخ داد به آن چه مور نظر و هدف مردم و رهبرانش بود، نرسید. به طور مشخص پرداختن به این سه مرحله که از آن سخن گفتم می تواند در حوزه داستان انقلاب قرار گیرد. از سویی دیگر پیگیری آدم هایی که از مبارزان انقلاب اسلامی به شمار می آیند، پرداختن به زندگی و سرگذشت و ابعاد دیروز و امروز آن ها که برای انقلاب مبارزه کردند، زندان رفتند و در مراحل پیروزی آن نقش داشته اند که البته از طیف های مختلفی نیز هستند، می تواند در قلمرو داستان انقلاب به خوبی نقش ایفا کند.

اگر ما با این گستردگی به داستان انقلاب نگاه کنیم، مضامین، موضوعات و وقایع انقلاب دایره وسیعی را به خود معطوف می کند که به طور قطع مجموعه جذاب و قابل اعتنایی خواهد بود.

آقای فتاحی برخی معتقدند از آن جا که انقلاب در پاره ای از آرمان هایش به نقطه مطلوب نرسید و چه بسا ممکن است با آن فاصله ای هم داشته باشد، از این رو پرداختن به موضوع انقلاب و آرمان هایش چالش هایی را برای مخاطب امروزی پدیدار خواهد کرد. این مسئله را چگونه می بینید؟

- ببینید، برای این که داستان ها به شکل درستی نگاشته شود باید اتفاقاتی در کشور بیفتد، باید مدیریت فرهنگی کشور وزارت ارشاد، حوزه هنری و سازمان تبلیغات به معنای واقعی گردهم آیند و این موضوع را برای مثال با تشکیل بنیادی برای ادبیات داستانی انقلاب مدیریت کنند. یعنی با تشکیل و تأسیس این سیستم و با پر و بال دادن به آن و اختصاص بودجه و امکانات شرایطی را فراهم کنند تا ادبیات داستانی به آن سمتی برود که باید برود، در واقع این سیستم خلاء ها را شناسایی و سوژه یابی و ایجاد انگیزه کند و بدون

اعمال سلیقه فرصت تولید را برای نویسندگان فراهم آورد. در واقع ما باید به این گونه عمل کنیم یا به طور کل جریان را به دست مردم بسپاریم، به این گونه که یک فضای آزاد ایجاد کنیم تا نویسندگان بتوانند در آن حرکت و تولید کنند.

معتقدم در این شرایط، جامعه به درستی خودش این تولیدات را پالایش خواهد کرد. در حال حاضر ما هیچ کدام از این دورا در حوزه ادبیات داستانی نداریم. نه مرکزی که این حوزه را مدیریت کند و کم و کاستی ها و ناگفته ها را شناسایی و برای تولید ایجاد انگیزه کند و نه شرایطی وجود دارد که بتوان در آن آزادانه به موضوعات پرداخت به دلیل وجود سلاقی و مراکز مختلف که در تولیدات و نگاه ها دخل و تصرف می کنند و به نوعی قانون نانوشته ای وجود دارد که نویسنده ها گمان می کنند اگر بنویسند ممکن است چاپ نشود.

به هر حال تمامی نویسندگان که مغرض نیستند، در میان آنان کسانی هستند که دلشان برای نظام سوخته و قلبشان برای آن می تپد. از این رو با این شرایط که این دو بستر فراهم نیست هنوز آن ادبیات و اثری که مورد نظر اهالی انقلاب است نوشته نشده و همه هر ساله سراغش را می گیرند.

طبیعی است که تولید آثار شاخص خود به خود اتفاق نمی افتد و باید زمینه اش را فراهم کنیم. به هر حال هر بذری که بخواهد جوانه بزند باید بذری باشد که روی زمین آن کار کند تا بستر رشدش مهیا شود.

نظام باید این بسترها را آماده کند، نمی شود همین گونه به کناری نشست و به امور روزمره مشغول بود و پس از ۱۰ یا ۲۰ سال منتظر باشیم این بذری که ثمر نداشت به ثمر نشسته باشد قطعاً این گونه این دانه و بذری که ثمر نخواهد نشست.

همه این نکاتی که اشاره کردم چه در سطح کلان و گسترده و چه در محلی که یادآور شدم در حال حاضر در یک شکل کلی در جشنواره داستان انقلاب رخ می دهد. یک نمونه همین است که همه نویسندگان تصور می کنند در باره داستان انقلاب فقط باید به مقطع مبارزات مردم با رژیم شاه پردازند. کمتر به این می اندیشند که داستان انقلاب فراتر از این موضوع است. باید بر نامه هایی که در حوزه آموزش و پژوهش طراحی می کنیم این نویسندگان را هدایت کنیم و بسترها را با ارائه سوژه ها و موضوعات برایشان آماده و ایجاد انگیزه کنیم. این جاست که می گویم جای خالی مدیریت فرهنگی در این عرصه مهم به وضوح مشاهده می شود.

باتوجه به این دغدغه ها که چه خوب بدان اشاره کردید، سر نوشت آینده ادبیات داستان انقلاب چه می شود. وقتی نسل امروز که قرار است آتیه دار این عرصه باشد با فقدان مدیریت مواجه است و از این رو که انقلاب را درک نکرده و آموزشی هم فرا نگرفته پس آینده و سرانجام داستان انقلاب چگونه خواهد بود؟ از آن جا که شما از دست اندر کاران جشنواره ادبیات داستان انقلاب هستید و با فضای کلی این حوزه آشنایی شایسته تر بتوانید به این پرسش پاسخ دهید.

- باتوجه به آن چه در تاریخ ایران و دیگر کشورها دیده ایم گمان

باید مدیریت فرهنگی کشور
وزارت ارشاد، حوزه هنری
و سازمان تبلیغات به معنای
واقعی گردهم آیند و این
موضوع را برای مثال با تشکیل
بنیادی برای ادبیات داستانی
انقلاب مدیریت کنند. یعنی با
تشکیل و تأسیس این سیستم
و با پر و بال دادن به آن و
اختصاص بودجه و امکانات
شرایطی را فراهم کنند تا ادبیات
داستانی به آن سمتی برود که
باید برود